

«انگلش» خانه‌ای را که عجایب عالم در آن جمع و نگاهدارند «میوزیم» خوانند. در این خانه قرب صد ایوان است هر یک منسوب به عجوبه جایی یا قسمی از عجو بهای است.

عجایبات انسانی و حیوانی و نباتی و حجری آنقدر در آن دیده شده که مطلقاً در حفظ نماند، مگر یکی، و آن دو شاخ است چون شاخ قوچ دوساله که بر سر زنی برآمده بود، بعد مردنش از سر او کنده با تصویر او در این مقام گذاشته‌اند. عمارت «برتش میوزیم» یک سمت شهر، بر کنار واقع شده. زیر دیوار آن، تا چهار میل، میدان مسطح و سیزه زار است. منتهای میدان سه کوه سبز خرم هموار، و بر هر کوهی شهری موزون معمور، که یکی از آن را «هی گت^۱» نامند، در مدنظر است. به هیئت مجموعی آنقدر خوشناس است و دلپذیر است که خلل در سیر عجایب آن خانه می‌کند و نمی‌گذرد که ناظر چشم از او به جانب دیگر اندازد.

دیگر شخصی از مردم ایرلند است که هفت دست طول ذکر جنینت^۲ یعنی دیوی قامت و یک دست درازی قدم و دو ثلث آن پنجه دست، و موافق آن جسمی ضخیم داشت. و این ایات در «مثنوی لندن» شرح حال او می‌نماید:

ل مؤلفه

رسیدی قامت من تا میانش سروش از سقف خم ماندی و شانه‌ش
که طفل و زن نه تاب دیدنش داشت قدم از خانه بیرون بر نمی‌دادشت

از جمله دولتهای^۳ «کرنل» یکی آنکه ذنی نصیب او گشته که یک نظاره اورا ده لکه^۴ بها تو ان داد، و حال آنکه او با ده لکه جهاز^۵، که مشروط تبدیل شوهر نام پدری خویش و گرفتن نام پدر او برخود بود، به خانه «کرنل» آمد. لهذا «کرنل» اسم قدری خود «بونتن» را به «براویت»، که نام پدرزن است، تبدیل نمود. علاوه‌آن، آن رشک قمر را علاقه تعلق نیز «کرنل» بهم رسیده، برخلاف قرارداد اسم «بونتن» برخود گرفت و خویش را «مسس بونتن» نامید، و تصویر شوهر را همواره زیب‌گردن و سینه خود می‌دارد. این رباعی در وصف اوست:

(۱) High gate (۲) ظاهرآ ساخته از «جن» است. (۳) نسته‌چایی؛ دولتهای عده‌ه. (۴) لک (هندي)، صدهزار (ندراج). (۵) جهاز، جويزه.